

الگوی چینی توسعه: تطابق پذیری یا ناسازگاری؟ بررسی امکان پذیری پیاده سازی

الگوی چینی توسعه در ایران

افسانه شریفی^۱ - ابوالقاسم طاهری^۲ - صادق زیبا کلام^۳ - احمد ساعی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۲

چکیده:

حادثه میدان تیان آنمن در چین از نظر برخی از پژوهشگران سیاسی به مثابه پایان یافتن اندیشه تغییر رژیم و استقرار نوعی توتالیتریانیسم ایدئولوژیک در جمهوری خلق چین به شمار می‌آید. از این رو نظام سیاسی از سپیده دم این حادثه به بعد با نگرانی‌های کمتری از منظر تهدیدات موجودیتی مواجه بوده است. برخی از تحلیلگران چنین وضعیتی را نقطه عزیمت نظام کمونیستی چین برای آغاز پاره‌ای اصلاحات نیز در نظر می‌گیرند. اصلاحاتی که ضمن حفظ سویه‌های اقتدارگرایانه در ابعاد سیاسی، سیاست خارجه مسالمت جویانه‌ای را به ویژه در خصوص ایالات متحده در پیش گرفت و با عبور از تنگناهای نظام اقتصادی چپ، گامهای بلندی را به سوی اقتصاد سرمایه داری ملی و جهانی برداشت. در عین حال در حوزه آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی نیز با شیعی ملایم به ایجاد گشایش‌هایی مبادرت ورزید. نتیجه این رویکرد از دهه نود به این سو تبدیل شدن به یک ابرقدرت اقتصادی بوده است. برخی از نظریه پردازان؛ این گذار به توسعه اقتصادی - اجتماعی منهای تغییر در ساخت سیاسی تمامیت خواه چین را که به الگوی چینی توسعه تعبیر می‌شود به منزله نسخه‌ای برای توسعه در ایران نیز تجویز نموده‌اند.

واژگان کلیدی: توسعه، چین، ایران، فرهنگ سیاسی، سیاست خارجه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Sharifi.afsaneh1068@gmail.com

^۲ - استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول

a-taheri@srbiau.ac.ir

^۳ - استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۴ - دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه:

نظریه‌های توسعه سیاسی و گذار به دموکراسی نوعاً هر یک و به گونه‌ای مبتنی بر شکلی از موجبیت باوری (determinism) سیاسی‌اند. به این معنا که برای ساخت سیاسی، بازیگران آن، عوامل رشد و توسعه و ساز و کارهای حاکم بر آن قائل به استقلال ساختاری‌اند و از این رو فرآیندهای رشد و توسعه سیاسی را فرآیندهای درون‌زا و خود بسنده می‌پندارند. یکی از مثال‌های پر بسامد در حوزه مطالعات توسعه که عمدتاً در مقابل چنین احتیاجی به آن استناد می‌گردد الگو رشد و توسعه در چین در سه دهه اخیر است. قائلین به استقلال توسعه اقتصادی از توسعه سیاسی - فرهنگی به عنوان نمونه کشور چین را مثال می‌زنند و استدلال می‌کنند که اعمال سیاست‌های باز اقتصادی در چین، تنش‌زدایی با ایالات متحده و غرب در حالی صورت گرفته که دولت پکن، بسط و گشایش چندانی در عرصه سیاسی اعمال نکرده و حتی در برخی عرصه‌ها از جمله حقوق شهروندی، موضوع تبت و آزادی اطلاعات، دایره را بر فعالان اجتماعی، سیاسی و مدنی تنگ‌تر نیز نموده است. در این خصوص دو دیدگاه که یکی از این دیدگاه‌ها بر این باور است که اساساً چین پس از واقعه میدان تیان آنمن (کوزه گر کالجی، ۱۳۸۸: ۲۳) عملاً دچار نوعی استحاله شده، ارزش‌های نامنعطف ایدئولوژی مائوئیستی را تعدیل کرد و دیدگاه دوم بر این باور است که این حادثه نه تنها به استحاله درونی رژیم کمونیستی چین نیانجامید، بلکه بر عکس اندیشه تغییر نظام و براندازی را به کلی از ذهنیت مردم چین پاک کرد.

این مدل رشد اقتصادی که از آن به «مدل چینی توسعه» تعبیر گردیده برای بسیاری از نظریه پردازان در ایران تا مدتها به آرمانشهری از توسعه اقتصادی مبدل گردیده بود. قائلین به این مدل باور داشتند که جمهوری اسلامی ایران که عمدتاً از بدو تاسیس، نگرانی‌های موجودیتی زیادی را تجربه کرده و از سویی دیگر به لحاظ شکل ستیز با سرمایه داری جهانی و آنچه که از آن به «استکبار جهانی» یاد می‌کند دست به گریبان است و ممکن است با اعمال فضای باز سیاسی دچار مشکلی شبیه به شوروی سابق گردد، بهتر است با اقتباس از مسیر پیموده شده در چین ضمن حفظ محدودیت‌های سیاسی و پرهیز از گشایش‌های کلان سیاسی و گذار به دموکراسی لیبرال، اولاً: اقتصاد خود را از دست ندهد روابط خود را با جهان غرب عادی سازی کند تا از تنش‌های نظام بین‌الملل دور بوده و امکان نوسازی اقتصادی را از دست ندهد. مساله

پیش رو ضمن جدی و قابل برانگیز دانستن منازعات و احتیاجات قائلین به «مدل چینی توسعه» اعتقاد دارد این مدل از انطباق پذیری مناسبی با ساخت فرهنگی، و اقتصادی ایران برخوردار نیست و از این رو نمی تواند دست آوردهایی چون رشد اقتصادی چینی را برای ایران به ارمغان آورد.

تفاوت دیگر در عرصه فرهنگ سیاسی شکل می گیرد. بر اساس رویکرد آلموند و روبا (قوام، ۱۳۷۲: ۸-۹) سه گونه فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی اشکال آرمانی^۱ هستند که در عمل در زمینه هر جامعه ای یافت می شوند اما نهایتاً یکی از این اشکال سه گانه فرهنگ سیاسی غلبه بیشتری دارد. این مقاله با توجه به تفاوت بافت شهری جامعه ایران در قیاس با ساختار دهقانی جامعه چین، طولانی تر بودن سابقه آزادی و دموکراسی خواهی ایران، تجربه انقلاب اسلامی و مشروطه و پاره ای از شواهد دیگر اعتقاد دارد که اگر فرهنگ سیاسی غالب در چین را بتوان در دسته بندی محدود - تبعی جای داد، با کمی اغماض می توان فرهنگ سیاسی ایران را در زمره فرهنگ های تبعی - مشارکتی طبقه بندی نمود. از این رو بر عکس چین که حرکت از نظام کمونیستی به سوی یک الیگارشلی ملی به همراه رشد سرسام آور اقتصادی آن توانسته تا اندازه قابل توجهی شهروندان آن را به شهروندانی آرام، مطیع و تا حدی رضایتمند مبدل سازد، حتی در صورت دسترسی به توسعه اقتصادی در ایران، تفاوت در مطالبات سیاسی، تجربه تاریخی گذار به دموکراسی و وجود شکاف های هویتی، دینی، قومی در ایران و نیز فشار غرب برای سوق دادن ایران به مماشات بیشتر با نظام بین الملل، مانع از تحقق این رویای چینی می شود.

تاریخچه اقتصادی در چین (تاریخچه تحولات چین)

در بخش حاضر برای بررسی منابع داخلی رفتار بین المللی چین و نقاط مثبت آن، جمعیت ساختار اقتصادی چین، ساختار سیاسی. ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه در قالب بررسی فرهنگ سیاسی بررسی می شود.

۱- جمعیت: رهبران چین با مدیریت صحیح نیروی انسانی در روند توسعه این کشور، به خوبی از نیروی کار ارزان و فراوان استفاده کرده و از آن به عنوان فرصت و سکوی پرتابی جهت افزایش توان اقتصادی، صنعتی و نظامی بهره برده اند. (فرزین نیا، ۱۳۸۹: ۴۲۲)

¹ - Ideal Type

۲- رشد اقتصادی: پس از پایه گذاری جمهوری خلق چین نخستین اولویت دولت به باز-سازی و توسعه اقتصاد ملی اختصاص یافت. تعیین اهداف تولید، کنترل قیمتها و توزیع منابع در میان بخش‌های مختلف اقتصادی، در همین راستا صورت گرفت. میانگین نرخ رشد اقتصادی چین از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۶ بیش از ۹ درصد بوده و درآمد سرانه آن سالانه حدود ۸ درصد رشد داشته است (سنبل، ۱۳۸۷) تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۰۶ با ۷/۱ درصد بیشتر نسبت به ارقام سال ۲۰۰۵ به رقم تقریبی ۲ تریلیون و ۵۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ با ۴/۱۱ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۶ به ۳ تریلیون و ۴۳۰ میلیارد دلار رسید. (رضایی، ۱۳۸۸)

در حوزه سرمایه گذاری مستقیم خارجی، چین اکنون پس از آمریکا به مهمترین مقصد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان تبدیل شده است (امیران، ۱۳۸۲) و در سال ۲۰۰۵، کل مبادلات تجاری به رقم ۱/۴ تریلیون دلار رسید که از این منظر چین بعد از ایالات متحده و آلمان، رتبه سومین قدرت بزرگ تجاری جهان را بدست آورد. (Jianwu, shantung & p.Laski. 200)

۳- اصلاحات سیاسی: اصلاح طلبان در کنار اصلاحات اقتصادی، اصلاحات سیاسی محدود را هم به مرحله اجرا درآوردند. از جمله این اصلاحات می‌توان به مواردی مثل کاهش نقش ایدئولوژی مائوئیستی، تثبیت تقدم رهبران غیر نظامی و جلوگیری از مداخله رهبران نظامی، تلاش برای بهبودی نهادها و سیستم تصمیم گیری اشاره کرد.

۴- فرهنگ سیاسی: مهمترین مولفه برای هر کشور در جهت گسترش نفوذ و قدرت نرم خود، استفاده از جذابیت های فرهنگی است. چین قصد دارد ابر قدرت فرهنگی بزرگ متناسب با قدرت اقتصادی در حال شد خود باشد. بنابراین، تلاش‌های خود را برای بسط کانال‌های مبادلات میان فرهنگی، ترویج رسانه چینی خارجی و افزایش تولیدات فرهنگی رقابتی و موثر برای ترویج فرهنگ چینی به طور فعالانه افزایش می‌دهد. (Wang & Iu, 2008. 428) در اواخر قرن ۱۹، مهاجران چینی، صنایع دستی، غذایی، ژیمناستیک و تعطیلات تقویم چینی به طور منظم این دستاوردهای گذشته را که دیگران کمتر شناخته‌اند یادآوری می‌کنند. (Otero Roth, 2007.5) تصویری از کنفوسیوس و خطوط اصلی اندیشه او در تصویری که چین می-

خواهد به بقیه جهان معرفی کند، گنجانده شده است مانند هماهنگی با دیگر کشورها، دولت فضیلت، احترام متقابل، وفاداری، انسانیت و خویشن داری. (Otero Roth, 2007:5)

رفتار استراتژیک و سیاست خارجه تنش زدایانه چین در دوران پساجنگ سرد

بر مبنای تاریخ سیاست بین الملل قدرت های در حال ظهور همواره رفتاری چالش-گرانه در برابر جامعه بین الملل بروز داده اند. اما رفتار چین به عنوان یک قدرت در حال ظهور در دوران پساجنگ سرد با سنت رفتاری قدرت های در حال ظهور نمی خواند این کشور نه تنها جامعه بین المللی را به چالش نکشیده، بلکه در حوزه های مختلف رفتاری همکاری جویانه بروز داده است. (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۹)

دلایل رفتار استراتژیک همکاری جویانه چین در حال ظهور

دلایل رفتار بدعت گونه چین در حال ظهور را در دو سطح می توان مورد بررسی قرار داد. یکی در سطح خرد و دیگری در سطح کلان.

- خواست و اراده کنشگر

برای درک این خواست و اراده باید به گذشته بازگشت و به روند دگردیسی الهاد دولت در چین توجه کرد. «ما، مردم چین برخواستیم». (چانگ و هالیدی، ۱۳۸۸: ۵۷۴) این جمله تاریخی را مائو زدوئنگ، رهبر چین در آستانه پیروزی بر زبان راند. اما این برخاستن آسان نبود و تاریخ دولت انقلابی چین از آن هنگام تاکنون واجد فراز و فرودهای بسیار بوده است.

در همه این مراحل، به ویژه در دوره انقلاب فرهنگی، دیدگاهی مخالف با دیدگاه مائو در درون حزب وجود داشت، دیدگاهی که چوئن لای و دنگ شیائوپینگ، رهبران آن به شمار می رفتند. بعد از مرگ مائو تسلط دنگ بر حزب کمونیست و دولت برآمده از انقلاب ۱۹۴۹ را می توان مهمترین مرحله در روند دگردیسی این دولت دانست. در واقع در این دوران، پیرامون دو مسئله مهم میان نخبگان چین با محوریت دنگ اجماع حاصل شد:

۱. ارتقای موقعیت چین در عرصه بین المللی

۲. توسعه اقتصادی جز با ارتباط با اقتصاد جهانی امکان پذیر نیست (Robinson and

Shambavgh, 1995:375)

بعد از دنگ در واقع جیانگ زمین ادامه دهنده راه دنگ بود و در دو مولفه اصلی با دنگ

دیدگاه مشترکی داشت: ۱- تعهد کامل به اصلاحات اقتصادی و نه سیاسی؛ ۲- تعهد کامل به حفظ حکومت حزب کمونیست. (Fewsmith, 2008)

بنابراین با عنایت به این مباحث می‌توان گفت که چین از ابتدای انقلاب ۱۹۴۹ تا کنون، دو گونه متفاوت از دولت‌سازی را تجربه کرده است که هر یک از این گونه‌ها، بر رفتار استراتژیک آن تأثیرات تعیین‌کننده‌ای گذاشته‌اند. در دوران مائو که روند دولت‌سازی در دوگانه «انقلاب و جنگ» خلاصه می‌شد. این روند دیری نپایید و به تدریج چین مائویی به سوی مدلی بومی از دولت‌سازی گرایش یافت؛ مدلی که اوج آن جهش بزرگ به جلو و انقلاب فرهنگی بود.

- رضایت‌مندی نسبی و همکاری جویی

اراده و خواست همکاری جویانه چین به مثابه کنشگر با پاسخ مثبت جامعه بین‌المللی به ویژه قدرت‌های بزرگ مواجه شد؛ با دقت در اولویت‌ها، گفتار و رفتار سیاست خارجی چین در این دوران، می‌توان دریافت که آنان انتخاب استراتژیک خود را که همانا پیشبرد توسعه اقتصادی بوده است، در جامعه بین‌المللی پس‌انگساز سرد قابل پیگیری می‌دانسته‌اند. جعل و به کارگیری «مفهوم نوین امنیت» و «ظهور مسالمت‌آمیز» به مثابه مفاهیم اساسی شکل‌دهنده به رفتار استراتژیک چین، در واقع حاصل چنین نگاهی به جامعه بین‌المللی است. (Gill, 2007: 37)

انطباق‌پذیری مدل چینی توسعه با ساختار سیاسی-اقتصادی ایران:

- اصلاحات چینی برای چینی‌هاست.

عزم چین برای تداوم تعمیق اصلاحات و سیاست درهای باز همچنان راسخ است و به رغم مشکلات داخلی و خارجی توانسته است از رشد اقتصادی بالایی برخوردار باشد و در صحنه سیاست داخلی و خارجی نیز به موفقیت‌های زیادی نائل آید. از این رو پیشرفت چینی‌ها، تئوریسین‌های بسیاری از کشورهای جهان را بر آن داشته است تا چین را الگوی کشور خود قرار دهند. برخی فعالان سیاسی و تحلیل‌گران کشور ما نیز بر پیاده کردن الگوی چینی در ایران اصرار می‌ورزند و بر این باورند که با الگو قرار دادن چین می‌توان به پیشرفت‌هایی نایل آمد اما باید گفت الگوی اصلاحات چینی مختص آن فضا، مکان و زمان است و ما باید در پی یافتن الگوی مناسبی برای خودمان باشیم. (واحد ناوان، ۱۳۸۲: ۱۹) ما می‌توانیم عملکرد دیگران را مطالعه کنیم، ولی در نهایت این خود ما هستیم که باید الگوی مناسب با امکانات و

شرایط خودمان را بیابیم. الگوی چین در فضا، مکان و زمان کاملاً متفاوت با ما انجام گرفته و این کشور برای ورود به جرگه مناسبات تجاری اقتصادی بین‌المللی بهای زیادی حداقل در کوتاه مدت پرداخت که کمترین آنها عدول از ایدئولوژی گذشته بود. در شرایط فعلی ایران، الگوی چینی اصلاحات اقتصادی گسترده بدون اصلاحات سیاسی نیست که برخی از مدیران ما برداشت می‌نمایند.

- شرایط ساختاری و فرهنگ سیاسی ایران و اجرای الگوی چینی توسعه

سیاست خارجی ایران در تامین امنیت ملی کشور به معنای سرزمینی و نظامی از یک طرف و صیانت از نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بسیار مثبت و بلکه مطلوب عمل کرده است و به موازات دفاع از مرزهای کشور و صیانت از نظام سیاسی، نوعی پاسخ به رنج‌های تاریخی و تحقیر ناشی از نفوذ بیگانگان در گذشته کشور است. چینی‌ها به تحقیر تاریخی از طریق نفوذ در بازارهای کالا و سرمایه جهان واکنش نشان دادند. ایران نیز از طریق تقابل، حفظ فاصله، امتناع از ائتلاف و همگرایی منطقه‌ای، همکاری استراتژیک با گروه‌های غیر دولتی و بی‌علاقگی به اختلاط در سیاست و اقتصاد بین‌المللی، رفتار نمود. این رفتارها هیچ مشکل نظری یا عملی ندارند. سیاست خارجی ایران به طور طبیعی باید سیر واکنشی و خطی - تاریخی خود را طی کند. فهم عمیق واقعیت، ابزار خاص و افراد خاص خود را می‌خواهد. هر تصمیمی زمانی در عرصه سیاست خارجی معقول می‌شود که به نحوی، بخشی از منافع عامه مردم و تمامی لایه‌های آن را تامین کند. (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۶۶)

سیاست خارجی ایران مسیر تکاملی خود را طی می‌کند و احتمالاً با تغییر نسلها و تحول پارادایمها از قدرت ذهنی فاصله گرفته و به قدرت عینی نزدیک تر شود. این انتقال مستلزم درکی متفاوت از مبانی مملکت داری از یک سو و ماهیت تحولات بین‌المللی از سوی دیگر خواهد بود. از این جهت، تغییر پارادایم ذهنی به عینی در ایران، نیازمند زمان است. هر چند ارتباطات و فن‌آوری موجود در جهان عاملی تسریع کننده است، اما اساس تحول در دوائر فکری و سیاسی داخلی است. تاریخ گواه معتبری بر این ادعاست که کمتر عاملی به اهمیت «تولید» به یک فرد یا ملت یا کشور اعتماد به نفس می‌دهد.

بنابراین می‌توان گفت: ایران استعداد قدرتمند شدن را در عرصه‌های اقتصادی و فن‌آوری داراست. بین‌المللی نبودن بر خلاف اصول ثابت سیاست خارجی ایران است (سریع‌القلم، ف ۱۳۷۸ (ب): ۳۸-۳۲) موقعیت ژئوپلیتیک، منابع نفت و گاز و مهمتر از این دو متغیر، روحیه

جهانی و جهان‌مداری مردم ایران، متمایل به تعامل جهانی است. فکر و استراتژی در یک کشور میان پایه توانمند طبعاً نمی‌تواند در حد حفظ تمامیت ارضی و نظام سیاسی محصور بماند، مانند فردی که صرفاً برای تهیه مسکن و بقای فیزیکی خود تلاش کند و از قوه فکری برای نوآوری، تولید، کار و فعالیت بهره‌برداری ننماید. (Tyrrell, 2010:12)

نتیجه‌گیری:

گذار به دموکراسی و نیل به توسعه سیاسی یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های موجود در ذهن ایرانیان است. با این حال این دغدغه به میزانی که اهمیت دارد متضمن انتخاب‌های صحیح نیز هست. ایران به گواهی تاریخ یکی از قدیمی‌ترین زمان‌های آغاز مطالبات دموکراتیک را در میان همسایگان داراست. با این حال متاسفانه پروژه گذار به دموکراسی گاه به دلایل خطاهای کوچک و گاه به دلیل خطاهای فاحش تا امروز دچار انحراف معیار شده و به نتایج ملموسی دست نیافته است. هر چند عرصه عمل سیاسی تا حدی از منازعات نظری و احتجاجات فکری متفاوت است اما در پس رخدادی در جهان واقع، یک نظری می‌تواند بالقوه از بروز خطاهای فاحش در مسیر گذار به توسعه سیاسی و دموکراسی مانع شود. به نظر می‌رسد رویکرد حصول به توسعه اقتصادی منهای توسعه سیاسی اگر به شکل بدبینانه آن را بهانه‌ای برای طفره رفتن و شانه خالی کردن از اعطای حقوق و آزادی‌های سیاسی فرض نکنیم دست کم باید بگوییم که این برداشت ناشی از یک خطای فاحش نظری است. این خطا در صورت تحقق نه از توسعه سیاسی چیزی باقی می‌گذارد و نه حتی دسترسی به توسعه اقتصادی را امکان‌پذیر می‌سازد. این مدل رشد اقتصادی که از آن به «مدل چینی توسعه» تعبیر گردیده است. برای بسیاری از نظریه پردازان در ایران تا مدتها به آرمانشهری از توسعه اقتصادی مبدل گردیده بود. قائلین به این مدل باور داشتند که جمهوری اسلامی که عمدتاً از بدو تاسیس، نگرانی‌های موجودیتی زیادی را تجربه کرده و از سویی به لحاظ شکل ستیز با سرمایه داری جهانی و آنچه که از آن به «استکبار جهانی» یاد می‌کند دست به گریبان است و ممکن است با اعمال فضای باز سیاسی دچار مشکلی شبیه به شوروی سابق گردد، بهتر است با اقتباس از مسیر پیموده شده در چین ضمن حفظ محدودیت‌های سیاسی و پرهیز از گشایش‌های کلان سیاسی و گذار به دموکراسی لیبرال، اولاً: اقتصاد خود را از دست ندهد روابط خود را با جهان غرب عادی سازی کند تا از تنش‌های نظام بین‌الملل بوده و امکان نوسازی اقتصادی را از دست ندهد. مساله پیش رو

ضمن جدی و قابل برانگیز دانستن منازعات و احتیاجات قائلین به «مدل چینی توسعه» اعتقاد دارد این مدل از انطباق پذیری مناسبی با ساخت فرهنگی، و اقتصادی ایران برخوردار نیست و از این رو نمی تواند دست آوردهایی چون رشد اقتصادی چینی را برای ایران به ارمغان آورد.



منابع فارسی:

کتاب

- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: انتشارات گام نو
- (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، نشر نی
- سریع القلم، مسعود (۱۳۷۸)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک
- سو. آلوین .. (۱۳۸۸)، *تغییر اجتماعی و توسعه*، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقالات

- آل غفور، سید محمد تقی (۱۳۸۶)، *نشر رنگ در ساختار سیاسی ایران معاصر*، فصلنامه نقطه نظر، شماره ۷ و ۸، بهار
- ابوالفضل شکوری، نور الله قیصری (۱۳۸۱)، *فرهنگ سیاسی، پژوهشی در ساختار و تحولات نظری یک مفهوم*، مجله نامه مفید، شماره ۳۲، آذر و دی
- جونگ چانگ، جان هالیدی (۱۳۸۸)، *مائو داستان ناشناخته*، ترجمه بیژن اشتري، تهران؛ نشر ثالث
- سریع القلم، مسعود (۱۳۹۰)، *مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران*، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول، بهار
- شریعتی نیا، محسن (۱۳۸۹)، *رفتار استراتژیک چین در دوران پساجنگ سرد*، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶، پاییز
- کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۸)، *تاملی بر تحولات سین کیانگ از منظر جامعه‌شناسی ماهانه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی گزارش*، سال هجدهم، شماره ۲۱۰، مرداد
- فرزین نیا، زیبا (۱۳۸۹)، *جایگاهی قدرت جهانی؛ مشخصه‌ها و سناریوها*، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۴، شماره ۲
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)، *جست و جویی در منابع داخلی رفتار بین‌الملل چین با استفاده بهینه از مقدرات داخلی*، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم شماره دوم تابستان

خبرگزاری

- امیران، حیدر (۱۳۸۲)، بررسی و تبیین دلایل پایین بودن قیمت محصولات کشور چین، قابل دریافت در:

www.ifbc.ir/pdf#b-china.pdf

- واحد ناوان، عارف (۱۳۸۲)، اصلاحات چینی برای چینی هاست، ماهنامه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی گزارش، شماره ۱۴۹، دی و بهمن

منابع انگلیسی

Book

- bendix. R & lipset. S. M, (1966), **The field of political Sociology in political sociology**, Edited by L. Coser, New York : Harper & Row
- Connolly, W, **Political theory and modernity**, oxford, 1988
- Gill, Bates (2007), **Rising star; China new Security Diplomacy**, New York:, Brookings Institution press
- Lipset: M.S., (1959), **Social Requisite of Democracy, Economic Development and Political Legitimacy**, American Political Science Review, march
- Taylor, Humphrey (2006), **The Practice of public Diplomacy in Joshua S. Fous (ed).**, Public Diplomacy: Practitioners, Policy Makers, and Public Opinion, Los Angeles: USC Center on public diplomacy and pew Research Center

Paper

- Coleman, J, conclusion, in G. Almond & J Coleman (eds), (1960), **The Politics of Developing Areas**, Princeton : Princeton university press
- Few smith, Joseph (2008), **china since Tiananmen: the politics of transition**, London: Cambridge University press
- Lerner, D, (1956), **the passing of Traditional society : Modernizing middle East**, New York, Free Press
- Hong ying Wang and Yeh – Chung Lu, (2008), **the conception of soft power and its policy Implications: a comparative study of china and Taiwan**, Journal of contemporary china, Volume 17, Number 56
- Jianwu/ Herli shan tong and Sander polaski, (2007), **china's Economic prospects 2006-2020**, at: <http://did.ir/attachments/F6481.pdf>
- Thomas W Robinson and david Shambavgh, (1995), **Chinese Foreign policy**, oxford, clarendon press
- Parsons, Talcot, (1951), **The social System**, New York : Free Press

Site

- Roth, Jaime Otero (2007), **china discovers Diplomacy**, Elcano Royal Institute of International and Strategic Studies, Madrid, Spain, at: www.realinstitutoelcano.org

